

تأملی در باب منازعات اخیر در باب فقه نظام‌ساز

*علی اصغر بخشی‌زاده

شبکه اجتهاد: فقه حکومتی، فقه مضاف، فقه نظام‌ساز، فقه سیاسی، فقه التریبه، فقه اقتصادی مجموعه‌ای از کلیدواژه‌هایی است که طی سال‌های گذشته، جریانات حوزوی برای پیگیری پروژه امتداد فقه به کار برده‌اند.

چه این عبارات را مضاف و مضاف‌الیه بدانیم و چه صفت و موصوف [۱] به نظر می‌رسد برخی جریانات حوزوی منتقد این رویکردها بوده و این انتقادات در سال‌های اخیر علنی و رسانه‌ای شده است. گفتنی است که هم اکنون در سطحی از دروس رسمی حوزه پروژه‌های فقه مضاف در حال پیگیری است؛ پروژه‌ای که با اضافه شدن چندین استاد مطرح در حال قوت گرفتن بوده و به غیر از مؤسسات تخصصی در قم، تعدادی از اساتید حوزه به مسائل مستحدثه و جدیدی ورود کرده‌اند که متضمن شکل‌گیری گسترده‌ای از مباحث جدید در حوزه فقه و فقهات است.

در کنار این روند هر از چند گاهی سخن از نظام‌سازی فقه و فقه اقتصادی و سایر مباحث مشابه، در رسانه‌ها و مجامع حوزوی ضریب می‌گیرد. تاکنون دو موج فکری و رسانه‌ای در این خصوص راه افتاده که واکنش‌های گسترده حوزویان را در پی داشته است. موج اول پس از اظهارات فرزند مرحوم آیت‌الله فاضل در سال ۹۷ و موج دوم در مصاحبه نوه دختری مرحوم آیت‌الله بروجردی با رسانه اکوایران مطرح شد. هر دو موج مدتی حوزه و اندیشمندان حوزوی را مشغول پاسخ و نگارش یادداشت‌های متعدد در فضای مجازی نمود که در این یادداشت تلاش می‌کنیم صورت‌بندی مناسبی از انواع کنش‌ها و واکنش‌ها ارائه کنیم.

فقه نظام‌ساز در موج اول

یکی از سخنرانان مراسم دومین سالگرد مرحوم آیت‌الله موسوی اردبیلی، فرزند مرحوم آیت‌الله فاضل لنکرانی، حجت‌الاسلام شیخ جواد فاضل لنکرانی، بود که سخنان مفصلی در حوزه مباحث فقهی و فکری مطرح نمود. در بخشی از این سخنان و به نقل از وبسایت رسمی ایشان آمده است:

«ما این مقدار که در فقه کار کرده‌ایم چیزی به نام نظام ندیده‌ایم. این عناوین نظام اقتصادی، نظام سیاسی، نظام قضایی، نباید چشم و گوش ما را پر کند که بگوییم اسلام نظام دارد. نه، اسلام در هر زمینه‌ای احکام جزئی و قواعد دارد؛ اما چیزی به‌عنوان نظام ندارد. آقایانی که قائل به نظام اقتصادی هستند، می‌گویند هر موضوعی در نظام اقتصادی با هم ارتباط تنگاتنگ دارد. در نظام اقتصادی موضوعات را منفرداً و مستقلاً نمی‌شود دید. در فقه فردی هر موضوع مستقلاً را فقیه استنباط می‌کند؛ ولی در بحث نظام باید همه موضوعات را با هم و در کنار هم در نظر گرفت.» (لنکرانی، ۱۳۹۷)

این اظهارات کافی بود که موجی از واکنش‌ها از سوی اساتید و طلاب راه بیفتد و یادداشت‌ها، کرسی‌ها، ویژه‌نامه‌ها و مصاحبه‌های متعددی در پاسخ به این اظهارات منتشر شد.

در ابتدای امر این اظهارات از سوی فرزند یکی از مراجع حاضر در بطن انقلاب شوک‌آور بوده و حتی در صحت و سقم آن یا تفسیر آن به معنای منفی تردیدهایی صورت گرفت؛ برای مثال ریاست پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، حجت‌الاسلام رشاد، در اظهاراتی در این خصوص گفت: اخیراً در رسانه‌ها آمده که یکی از فضایی محترم که از مدرسین موفق سطوح عالی حوزه علمیه قم است در خلال سخنرانی در یک همایش، مطالبی فرموده است که اگر انتساب آنها به ایشان درست باشد بسیار مایه تعجب و تأسف است/ من برای شخص و شخصیت ایشان، به اعتبار فضائل خود او و به اعتبار مقام والد بزرگوارشان، احترام خاصی قائلم. ایشان فرد محققى است. من باور نمی‌کنم ایشان به چنین مطالبی تفوه کرده باشند. (رشاد، ۱۳۹۷)

جریان شناسی واکنش‌ها نسبت به این اظهارات را می‌توان حداقل به دو دسته تقسیم کرد:

دسته اول) جریانات موافق: افراد و اندیشه‌هایی که با رویکردی حداقلی به فقه همسو بوده و معتقد به امتدادداشتن فقه هستند. این رویکرد گاهی متأثر از اندیشه‌های مدرن بوده و گاهی متأثر از نوعی نص‌گرایی است که در نهایت یک خروجی دارد و آن مخالفت با بسط فقه.

یکی از فعالان مجمع محققین در مصاحبه‌ای در بحبوحه این ماجرا با نقد بسط رویکردهای فقه‌ای حتی باب سیاست و به نحوی فقه سیاسی را نیز منکر شد. وی عنوان داشت:

در فقه و در ابواب فقهی اصلاً بایی به نام حکومت یا بایی به نام سیاست نداریم. ممکن است که شما مسئله‌ای از آن دربیابید؛ مثلاً در کتاب و سنت بیعت و شورا داریم ولی آن بیعت و شورا براساس نظام سیاسی امروز نیست. (میبدی، ۱۳۹۷)

در طرف دیگر این جریان مهدی نصیری از فعالان جریان ضد فلسفه و ضد تجدد نیز در اظهارنظری که البته خاستگاه آن نص‌گرایی و نظریه عصر حیرت است گفت:

فقه در قیاس با جامعه و تمدن سنتی ماقبل مدرن (جدای از مشکل غیبت امام معصوم) ارزش‌ها و احکامش با نظام‌ها و ساختارهای حاکم در تلائم و تناسب بوده و اساساً بحث نظام‌سازی (مقصودم در اینجا تأسیس حکومت و نظام سیاسی نیست که مشروعیت انحصاری آن برای دین و فقه در عصر حضور و غیبت ثابت است.) مطرح نیست؛ اما در روزگار کنونی نظام‌سازی مستقل و خالص و یک‌دست دینی و فقهی در قبال ساختارها و نظامات مدرن، اغلب غیر عملی و منتفی است. (نصیری، ۱۳۹۷)

این اظهارنظر نصیری گرچه از نظر خاستگاه، متفاوت با جریانات نوگرایی حوزوی است اما در خروجی منتج به یک ایده و آن نفی اسلام سیاسی خواهد شد.

دسته دوم) جریان مخالف که مراد از آن اندیشه‌هایی بود که صراحتاً یا تلویحاً در مقابل فروکاهیدن فقه به یک مجموعه غیر نظام‌مند، ایستاده و مدعی ایده فقه نظامات هستند. محسن غرویان از اساتید حوزه - که هرچند وجه فلسفی وی پررنگ‌تر است - در این رابطه گفت: نمی‌شود به امام خمینی (ره) نسبت داد که قائل به فقه نظام نبودند. نکته دیگر اینکه استدلال

تمامی نیست که بگوییم چون امام خمینی(ره) نرسیدند پس در اسلام این اندیشه را نداریم. خود امام خمینی(ره) هم چنین ادعایی نداشتند. (غروی، ۱۳۹۷)

در سویه دیگر این جریان دبیرکل سابق مجمع تقریب مذاهب، حجت‌الاسلام محسن اراکی قرار دارد که اساساً اختلاف امام با شاه را بر سر مسئله فقه نظام و فقه فردی دانسته و گفت:

از زمان نگارش کتاب اقتصادنا ۶۰ سال می‌گذرد، اکنون در شرایط جدیدی هستیم و نباید نظام کلان یک‌دستی را ارائه کنیم؟ بله، ترسی وجود دارد و خوفش این است که آن کسانی که با افکار قدیمی آشنا هستند، برایشان این مسائل غریب است. چطور می‌شود جامعه داشته باشیم اما نظام نداشته باشیم و یا نظام باشد و فقه نظام نباشد. فقه نظام آن چیزی است که در زمان شاه نبود، اما امروز می‌توانیم به آن عمل کنیم. در زمان شاه به همه فقه متعارف عمل می‌کردیم اما به فقه نظام نمی‌توانستیم عمل کنیم و باید فقه آن ارائه شود. بانک می‌خواهیم باید فقه آن ارائه شود. (اراک، ۱۳۹۷)

این واکنش‌ها به موارد بالا محدود نشد اما می‌توان اکثر قریب به اتفاق این واکنش‌ها را در دو دسته فوق تقسیم‌بندی کرد. این واکنش‌ها تا بدانجا پیش رفت که حجت‌الاسلام محمدجواد فاضل لنکرانی در پاسخ به اظهارات و موج ایجادشده جلسه پرسش و پاسخی را در دی ماه برگزار کرد و اشاره داشت: حرف بنده این است که دستیابی به فقه نظامات توهم است و ممکن و شدنی نیست؛ هدف اصلی بنده دفاع از حرکت و فقه امام(ره) نه به لحاظ سیاسی بلکه از جهت علمی است؛ باید حرکت انقلابی امام(ره) را بر موازین فقهی مسلم و غیرقابل تردید مبتنی کنیم. (لنکرانی، ۱۳۹۷) وی در همین جلسه عنوان داشت که نظریه شهید صدر در اقتصاد ارتباطی با فقه نظامات ندارد.

بررسی این جریان در مرحله اول نشان از موفقیت نسبی جریان موافق فقه نظام‌ساز داشت. جریانی که تلاش نمود با برگزاری کرسی، نگارش یادداشت، مصاحبه و حتی در خواست مناظره به سؤالات پاسخ دهد و موج‌آفرینی از فضای حوزه و مؤسسات حوزوی شروع کند.

موج دوم، اقتصاد اسلامی داریم یا نداریم؟

با فاصله کمتر از دو سال از ۱۳۹۷ این منازعه کم‌وبیش در رسانه‌ها و فضای مجازی حوزوی جاری بود؛ اما در نهایت گفت‌وگوی حجت‌الاسلام علوی بروجردی که در ۲۹ شهریورماه منتشر شد، فاز جدیدی را در باب مناسبات فقه و حوزه‌های جدید گشود.

این فاز جدید به دلایل مختلفی از جمله جایگاه ایشان در فضای حوزه و روحانیت بود. نوه یکی از زعمای شیعه که هم اکنون در بین برخی جریانات فعال حوزوی، یکی از افراد در مظان مرجعیت محسوب شده و انتشار رساله وی به صورت غیر رسمی تنش‌هایی با جامعه مدرسین ایجاد کرد. ایشان که از اعضای ارشد نشست دوره‌ای اساتید است، در حال رقم زدن فضای جدیدی از آینده مرجعیت در حوزه قم بوده و البته در بین برخی جریانات حوزوی نیز مخالفان جدی دارد. ایشان در گفت‌وگو با اکوایران ضمن اشاره به اصل مالکیت در اسلام و اینکه این اصل بیش از هر چیز یک اصل عقلایی مورد تأیید اسلام است اشاره داشت:

ما در اینجا وقتی دو جبهه درست می‌کنیم؛ می‌گوییم سوسیالیسم، سرمایه‌داری و اسلام اینجا شاخه‌ی سومی است. این شاخه‌ی سوم را قبول نداریم که یک مکتب اقتصادی مستقل، اسلام آورده جدای از اینها، ما این را قبول نداریم. مالکیت را اسلام پذیرفته است. مالکیت هم اسلام پذیرفته چرا که عقلایی بوده است. زمان پیغمبر هم معامله می‌کردند و حتی قبل از آمدن و بعثت پیامبر هم بوده است. بعد که آمد، بعضی معاملات ربایی بود، پیغمبر نهی‌اش کرد؛ اما بقیه معاملات را کار نداشت و مردم بده‌بستان داشتند. خود رسول اکرم راه افتادند رفتند شام، از طرف خدیجه‌ی کبرا برای تجارت، خب آنجا چطور تجارت می‌کردند؟ آن وقت که اقتصاد اسلامی هنوز نیامده بود! تجارت عقلایی بوده است... (علوی بروجردی، ۱۳۹۹)

ایشان در ادامه مدعی شد که در فقه تنها ۲۰ حکم انشایی در این حوزه هست و بقیه احکام ارشادی به سیره عقلاست و در نهایت در خصوص اقتصاد اسلامی ادامه داد:

ما چطور می‌آییم در اینجا، می‌خواهیم یک رشته اقتصاد اسلامی درست بکنیم؟ ما چندتا روایت و آیه داریم برای اینکه اگر تورم بالا رفت چه جور بخواهیم کنترلش بکنیم؟ چندتا آیه و روایت داریم که رشد اقتصادی با چه فرمولی باید درست بشود؟ چندتا داریم؟ این مکاتب اقتصادی در دنیا هست، اقتصاددان‌ها هستند. بله، ما نمی‌گوییم عینا کپی کنیم... پیغمبر یک مرشد معنوی هست. «بعثت لاتمم مکارم الاخلاق». آمده ارزش‌های معنوی جامعه را بالا ببرد. نه اینکه بیاید اقتصاد درست بکند، نه اینکه بیاید علوم درست بکند. اقتصاد اسلامی هم یک شوخی است. خودمان را گول نزنیم. (همان)

آقای علوی بروجردی سابقاً نیز در دیدار با معاونت پژوهشی حوزه اظهارات مشابهی داشت - که با همین تیتراژ اقتصاد اسلامی نداریم - در رسانه‌های مختلف بازتاب داشته است.

می‌توان سه ادعای اصلی ایشان در این مصاحبه را به شرح ذیل تبیین کرد:

اول) اقتصاد، محصول سیره عقلا است و نباید از دین اسلام انتظار ارائه اندیشه اقتصادی داشت؛ به همین علت چیزی به اسم اقتصاد اسلامی نداریم؛

دوم) نوعی نگاه مثبت به بانک‌داری متعارف؛

سوم) فروکاهیدن اسلام و مبانی دینی و اسلامی به یک مکتب اخلاقی.

هر سه این گزاره‌ها مورد انتقاد جریان دومی بود که نسبت به اظهارات حجت‌الاسلام فاضل لنکرانی انتقاد داشته و در نهایت همان موج برای انتقاد از ایشان بسیج گفتمانی شد. شایان ذکر است برخی شخصیت‌ها و نویسندگان حوزوی نیز از اصل طرح چنین مباحثی از طرف ایشان نیز استقبال کردند که از جمله آنها می‌توان به توثیق حجت‌الاسلام رسول جعفریان اشاره داشت:

حساسیت شخصیتی حجت‌الاسلام علوی در بین مخالفان و موافقان تأثیر مهمی بر ضریب‌گیری این اظهارات گذاشت و در نهایت موجی از انتقادات و درخواست‌های مناظره و گفت‌وگو با ایشان در فضای مجازی حوزوی منتشر شد. در این فهرست اسامی افرادی همچون حجج اسلام آقایان علیدوست، خروپناه، هادوی تهرانی، نظری شاهرودی، احمدحسین شریفی و باقرزاده به چشم می‌خورد.

یکی از تندترین انتقادات از سوی یکی از اعضای ارشد نشست دوره‌ای اساتید، حجت‌الاسلام‌هادوی تهرانی صورت گرفت. وی که سابقه طولانی فعالیت پژوهشی و آموزشی در حوزه اقتصاد اسلامی دارد گفت:

برخی رفقا می‌گویند ما اقتصاد اسلامی نداریم، شما چه درسی می‌دهید؟ البته مثال‌هایی هم که می‌زنند نشان می‌دهد آشنایی چندانی با این مباحث ندارند. وقتی ما سخن از اقتصاد اسلامی می‌گوییم منظورمان این نیست که روش محاسبه مثلاً نرخ تورم منطبق بر کدام آیه است؟ یا روش محاسبه منحنی فلاکت و روش محاسبه فلان سود، کدام آیه و روایت است؛ اقتصاد توصیفی کار قرآن و حدیث نیست؛ کار قرآن و حدیث، اقتصاد دستوری است... دوستان چون فرق میان دانش‌های دستوری و توصیفی را نمی‌دانند و شاید در عمرشان به این اصطلاح هم برخورد نکرده باشند. مثال‌های نادرستی هم می‌گویند که اشتباه است. (هادوی، ۱۳۹۹)

در موج دوم کمتر شخصیت و جریانی در حوزه به دنبال حمایت از حجت‌الاسلام علوی بوده و بیشتر اظهارات و مباحث مطرح‌شده در انتقاد از ایشان مطرح شد. حجت‌الاسلام خسروپناه در یازدهمین نشست هم‌اندیشی «فقه حکومتی» گذری به هر سه مدعای مطرح‌شده داشته و نقدهای کوتاه و در عین حال عمیقی را عنوان کند. از جمله نکاتی که ایشان بر آن تأکید داشت تنوع سیره عقلاست و اشاره به این معنی که «عقلانیت‌ها هم متصف به ایدئولوژی‌های مختلف هستند... امروزه عقلا بما هم عقلا در مسائل سیاسی و اجتماعی رخت بر بسته» (خسروپناه، ۱۳۹۹)

دیگر انتقاد جدی نسبت به اظهارات آقای علوی بروجردی از سوی رئیس مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بود که اشاره داشت: کسی که «اقتصاددانا»ی شهید صدر را بخواند، منکر اقتصاد اسلامی نمی‌شود. حجت‌الاسلام نظری شاهرودی که خود در حوزه اقتصاد اسلامی فعالیت داشته اشاره به تلاش‌های صورت‌گرفته در این حوزه داشته و اظهارنظر در این خصوص را نیازمند تخصص و سابقه پژوهشی دانست. (نظری شاهرودی، ۱۳۹۹)

در فضای رسانه‌ای، مخالفان اظهارات حجت‌الاسلام علوی بروجردی نیز وبسایت‌ها و کانال‌های مختلف طلبگی هم پرونده‌های ویژه‌ای را طراحی کردند از جمله وبسایت اجتهاد - که وابسته به دفتر تبلیغات مشهد است - بخش ویژه‌ای در این خصوص در نظر گرفت. در شبکه‌های اجتماعی نیز کانال‌های برخی از جریانات طلبگی از جمله حوزه انقلابی، روزنه و کانال‌های همسو با این کانال‌ها انتقادات تندی را علیه حجت‌الاسلام علوی بروجردی مطرح کردند. شایان ذکر است این جریان رسانه‌ای از مدت‌ها قبل فعالیت رسانه‌ای خود را علیه نشست دوره‌ای اساتید و فعالان آن شروع کرده و بزنگاه اقتصاد اسلامی، مقطع مناسبی برای تداوم این حرکت بود.

در فضای برون حوزوی و به طور مشخص شبکه اجتماعی توئیتر نیز برخی اظهارنظرها از سوی فعالان منتقد نظام و حتی مخالفان دین، شایان توجه بود. نجفی تهرانی (Inajafi_tehrani) از روحانیون فعال و منتقد در توئیتر نوشت: سخنانی که امروز در سال ۹۹ آیت‌الله علوی بروجردی از مراجع شیعه درباره نبود علمی مثل اقتصاد اسلامی گفته است را حسن نزیه، سیاستمدار ملی‌گرا، در سال ۵۸ گفت؛ ولی آقای خمینی او را مرتد دانست و از او خواست تا توبه کند و آقای بهشتی به حسن نزیه لقب روشنفکر نما داد و خواهان محاکمه او شد.

اکانت بورژوا (bourgeois_ir) وابسته به وبسایت بورژوا - که به دست تعدادی از اساتید دانشگاه و نویسندگان با گرایش چپ اداره می‌شود - نیز با استقبال از مباحث حجت‌الاسلام علوی بروجردی نوشت: صحبت آقای بروجردی از وجه فقهی طبعاً معتبر است که ادیان برای خداشناسی، عبادت و تکامل اخلاق آمده‌اند و لزومی ندارد که به اقتصاد و فیزیک یا سایر علوم پرداخته باشند.

با ضریب گیری این اظهار نظر ایشان، گمانه‌زنی‌هایی نیز در حاشیه این چالش قوت گرفت و برخی ایشان را مرجع تقلید جریانات منتقد پس از مرحوم آیت‌الله صانعی قلمداد کرده و به تلاش‌های رسانه‌ای برخی جریانات سیاسی برای مطرح کردن وی اشاره داشتند.

تحلیل و بررسی

اول. با قطع نظر از نگاه ارزش داورانه به چالش‌های فوق دو نگرش را می‌توان در ترسیم اتفاقات رخ داده در حوزه در خصوص چالش فقه نظام، فقه اقتصادی و... مطرح نمود:

نگرش اول) این اظهارات و سخنان، منادی شروع پروژه پسا اسلام‌گرایی در متن حوزه علمیه قم قلمداد می‌شود که در تلاش است در مقابل پروژه اسلامی‌سازی همه حوزه‌های زندگی از جمله اقتصاد و سیاست و... بایستد. این عبارت را نخست بار، عاصف بیات عنوان کرد و شروع آن در ایران از دهه هفتاد است.

از این منظر پسا اسلام‌گرایی در قم، اینک در پی کاستن از بار سنگینی است که در طول سالیان گذشته بر دوش اسلام و علوم اسلامی به‌ویژه فقه نهاده شده است. توفیق این جریان نه تنها می‌تواند اعتبار آسیب‌دیده روحانیت را تا اندازه‌ای ترمیم کند، بلکه گذار مسالمت‌آمیز به سامانی شایسته از مناسبات دین و دولت را نیز تسهیل کند. بی‌گمان چنین سامانی بر استقلال نهاد دین و تفکیک آن از دولت استوار خواهد بود. (میرموسوی، ۱۳۹۹)

نگرش دوم) این نگرش بر این باور است که همچنان قاطبه حوزه و نخبگان حوزوی همراه با ایده نظریه‌پردازی در علوم انسانی اسلامی هستند و این پروژه به دلایل مختلف از جمله نیاز به زمان و فقدان نظریه‌پردازان متبحری در طراز شهید مطهری و سایر بزرگان بر روی زمین مانده و در عین حال تلاش‌های گسترده‌ای نیز در مراکز و مؤسسات حوزوی برای شکل‌گیری این گفتمان انجام شده که می‌توان به تلاش‌های پژوهشگاه‌های متعدد حوزوی در این راستا اشاره داشت.

دوم. به نظر می‌رسد تقلیل یک بحث فکری مبنایی که پس از ۴۰ سال از انقلاب اسلامی همچنان محل مناقشه است به یک بحث سیاسی منجر به ذبح موضوع خواهد شد و این‌همانی موافقان فقه نظامات با حامیان نظام و مخالفان فقه نظامات با مخالفان نظام به نابودی آزاداندیشی در حوزه و کند شدن روند علمی منجر خواهد شد. ورود رسانه‌ای و زرد به موضوع و نقد انگیزه به جای انگیزه یکی از رهن‌های جدی در حل و فصل این منازعات فکری است. در شرایط فعلی این گفت‌وگوها در حوزه به نقطه مطلوبی در گام اول یعنی تبیین مسئله رسیده و نیاز است که متولیان کرسی‌های آزاداندیشی با پیگیری آن و دعوت از بزرگان در هر دو طرف، به رشد فرهنگ مباحثه و گفت‌وگو در حوزه و از سوی دیگر به مشخص شدن یکی از پایه‌ای‌ترین مباحث مرتبط با نظام اسلامی کمک کنند.

نویسنده: علی اصغر بخشی‌زاده، دانش‌آموخته حوزه علمیه - پیرامون حوزه، نشریه تحلیلی خبری حوزه و روحانیت

1- اگر فقه سیاسی، فقه اقتصادی و ... مضاف و مضاف‌الیه تلفی شود، محور مضاف‌الیه است؛ برای مثال در فقه سیاسی محور بحث‌ها سیاست است؛ یعنی تلاش می‌شود فقه را در پایگاه سیاست بحث کنند. اگر موصوف و صفت باشد، محور بحث موصوف است و سیاست را در پایگاه فقه بررسی می‌کنند.